

نشریه علمی فقه، حقوق و علوم جزا
مقاله پژوهشی، سال هفتم، شماره ۲۷، بهار ۱۴۰۲، صفحات ۱ تا ۱۴
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۲۸ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۱۶

مسئولیت کیفری ناشی از جهل قصوری و تقصیری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران (عدم اطلاع از ظلم توسط مدیر در جرائم رایانه ای)

صبا افراز* دانشجوی کارشناسی ارشد، گرایش جزا و جرم شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

چکیده

هدف پژوهش مسئولیت کیفری ناشی از جهل قصوری و تقصیری در فقه امامیه و حقوق کیفری ایران است که درخصوص مسئولیت کیفری که ناشی از جهل می باشد بیشتر تمرکز می کنیم. قانون گذاران و حقوق دانان در هر جامعه ای به دنبال نظم و برگزاری قانون می باشند و هدف آنان این است که افرادی را که در جامعه باعث بی نظمی و اختلال می شوند را به سزای اعمال شان برسانند. در این مقاله جهل و انواع آن همراه با مباحث فقهی و حقوقی، بررسی ماده های مورد نیاز و بررسی تحلیل عدم اطلاع از ظلم توسط مدیر در جرائم رایانه ای را مورد بررسی قرار می دهیم. نحوه گردآوری اطلاعات و داده ها، توصیفی- اسنادی است و همچنین جهت جمع آوری اطلاعات مورد نیاز برای تدوین پیشینه تحقیق و مبانی نظری و تعاریف و مفاهیم آن از روش کتابخانه ای و مطالعات میدانی استفاده شده است.

واژگان کلیدی: جهل قصوری؛ تقصیری؛ فقه و قوانین؛ ایران.

مقدمه

جهل نادانی مترادف Ignorance یا Unawareness در زبان انگلیسی است. جهل در لغت یعنی جهالت و نادانی، نادانستن است. (دهخدا، ۱۳۷۷)، جهالت به معنی انجام دادن ناآگاهانه یک عمل است. (خلیل بن احمد، ۱۴۰۹) و همچنین جهل در معنایی اعم از معنای حق جهل به امور جاری عادی بکار رفته است. (عسگری، ۱۳۵۳).

جهل به معنای عدم العلم، امری عدمی در مقابل علم است و تقابل میان آنها از نوع تقابل عدم و ملکه است. برخی جهل را نقطه مقابل عقل قرار داده اند و آن را سفاهت معنا می نمایند. جهل در این معنا امری وجودی در نقطه مقابل عقل است و رابطه بین آن دو از نوع تقابل تضاد یا ضدین است. نسیان نیز در حکم عدم العلم او جهل است. (درویش پور، ۱۳۸۶: ۲۸۸).

جهل در قرآن در معنای واژه جهالت در آیه ۱۷ سوره نساء "إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا" چند قول ذکر شده است، از جمله نافرمانی خدا از روی جهالت و نیز اینکه گناهکاران سرانجام ناپسند عمل خود را نمی دانند. همچنین بیان فرمودند که این آیه ناظر به کسانی است که نمی دانند کارشان گناه است. معنای دیگر این است که چنین افرادی که لذت فانی را بر لذت باقی ترجیح داده اند، اهل جهالت اند.

در جایی دیگر، به شرایط قبولی توبه اشاره می کند. الف: گناه از روی نادانی و بی توجهی به عواقب گناه باشد، نه از روی کفر و عناد. ب: گنهکار باید زود توبه کند پیش از آنکه او را احاطه نماید یا خصلت او شود، یا قهر و عذاب الهی فرا رسد. (قرائتی، ۱۳۸۳) و همچنین ۵۴ سوره انعام و ۱۱۹ سوره نحل واژه جهالت در مورد کسانی به کار رفته است که از سر نادانی کار ناپسندی انجام داده اند.

جهل در اصطلاح فقهی نیز غیر از معنای لغوی نیست و به ندانستن حکم شرعی بیان شده است. (عبدالمنعم، بی تا، ص ۵۴۴). در فقه امامیه جهل، در واقع احکام میان عالم و جاهل است. به نظر آنان نسبت عالم و جاهل به احکام نفس الامری الهی است که در لوح محفوظ وجود دارد. آنها علاوه بر اجماع و احادیث، به دلایل عقل نیز استناد کرده اند، از جمله گفته اند که متوقف بودن وضع حکم شرعی بر علم مکلف به آن محال است، زیرا در این صورت، تا زمانی که مکلف عالم به احکام نباشد، حکمی نیز وضع نخواهد شد، در حالیکه آگاهی به احکام، پس از وضع حاصل می گردد. (کاظمی خراسانی، ۱۴۰۹: ۱۲).

- در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی جهل قصوری و تقصیری در فقه و قوانین موضوعه ی ایران و فرانسه گزارش می کند که حقوق ایران و فرانسه در خصوص مقوله اشتباه و تاثیر آن بر مسئولیت کیفری خیلی به هم نزدیک هستند ولی دیدگاه های متفاوت تری هم دیده می شود و میتوان بیان نمود که حقوق ایران بسی گسترده تر است و حقوق فرانسه حدوث چنین اشتباهی را چنانچه ناظر به پیش بینی نتایج عمل دیگری باشد، یعنی در فرض اشتباه معاون در نتایج عمل مباشر را مطلقاً بر مسئولیت کیفری معاون بی تاثیر می داند. (موسائیان صبحانی، ۱۴۰۰: ۸۱-۶۰)

- در پژوهشی که با عنوان بررسی جایگاه جهل به قانون در حقوق کیفری ایران انجام دادند به این نتیجه رسیدند که قانون دارای تبعات اجتماعی می باشد و براساس قانون جاری کشور، جهل و بی اطلاعی از قانون نافی جرم نیست، و هرکش براساس رفتارهای خود ورد قضاوت قرار می گیرد. نظم، امنیت و عدالت برای رسیدن به جامع های کارآمد و سالم ضروری است. از این رو آشنایی به قانون، زمینه سلامت و کارآمدی زندگی اجتماعی انسان را فراهم کرده و میتوان به عنوان یکی از فاکتورهای مهم در هر جامع های مورد توجه و ارزیابی قرار گیرد. (بایبوردی و منصور آبادی، ۱۳۹۴)

- در بررسی جهل و خطا در حدیث رفع و آثار در حقوق کیفری از منظر فقه امامیه پژوهش خود را انجام داده و بیان می کند که جهل و خطا به عنوان دو عامل مهم و ضروری در مسائل حقوقی است که فقها و حقوقدانان نظرات متعددی را بیان می کنند. بررسی و شناخت در فقه امامیه جهل به قانون و جهل به موضوعات قانونی و آثاری که در اعمال و رفتارهای حقوقی در نظام کیفری اسلام دارد را با اهمیت می شمارد. (درویش پور، ۱۳۸۶: ۲۶۵-۲۸۸).

- در بررسی تأثیر جهل به قانون در مسئولیت کیفری از منظر قانون مجازات گزارش کردند تبیین قاعده کلی و ضوابط آن در این باب در مقام مقایسه با قاعده درأ و تعارض یا مطابقت و همچنین حدود اعتبار آنها در جرائم تعزیری و غیر تعزیری از منظر قانون گذارمجازات اسلامی است. در نهایت، رویکرد نوین قانون گذار نقد می گردد. (حسنی و شاهچراغ، ۱۳۹۷: ۱۱۵-۱۳۶).

- در بررسی کیفیت تأثیر علم و جهل در احکام واقعی و ظاهری از دیدگاه امامیه و عامه گزارش کردند. حکم واقعی، مطلق است؛ یعنی مقید به هیچ حالی از حالات مکلف، اعم از علم و جهل و... نیست ولی حکم ظاهری، مقید به حال جهل به واقع است. (کاظمی گلوردی و واسکی، ۱۳۹۲: ۱۱۹-۱۴۶).

- در بررسی تأثیر جهل موجه در مسئولیت مدنی با رویکرد قانون مجازات اسلامی گزارش کردند. جهل یکی از موضوعاتی است که بدون شناخت ماهیتش نمی توان، در باره آن به ویژه در جزئیات حکمی صائب صادر نمود. یافته های تحقیق نشان می دهد عنصر جهل در رفع مسئولیت مدنی به طور قطع تأثیری ندارد، و فرد جاهل در این مساله معذور نیست، زیرا پای حقوق مالی از دست رفته مطرح است و فرد جاهل بنا بر قاعده اتلاف، باید از عهده جبران خسارت برآید. اما در مورد تأیید جهل در رفع مسئولیت کیفری یعنی جایی که تخطی از قانون، منجر به ثبوت احدی از مجازات ها مثل حد، قصاص و تعزیر می گردد، یک کار دقیق قضایی است، بنابر این در پذیرش آن باید به قدر متیقن اکتفا کرد. (ذاکری و صدیقیان، ۱۳۹۴).

انواع جهل

جهل به دو قسم تقسیم می شود که عبارتند از:

۱- بسیط: عبارت است از خالی بودن نفس از علم، و انصاف آن به جهل، بدون این که هم چنین داند که می داند، یعنی بر او مشتبه نشده باشد، و اعتقاد دانستن را نداشته باشد. و در ابتدای امر، این

صفت ذموم نیست بلکه ممدوح است، زیرا که آدمی تا به جهل خود بر نخورد و نداند که نمی‌داند در صدد تحصیل علم بر نمی‌آید. بلی باقی‌بودن بر این مقام و ماندن بر جهل و ثبات بر آن، از رذائل عظیمه است، که دفع آن لازم و بقای آن از جمله مهلکات است.

۲- مرکب: جهل مرکب عبارت است از این که کسی چیزی را نداند یا خلاف واقع را بداند و چنان داند که حق را یافته است، پس او نمی‌داند، و نمی‌داند که نمی‌داند، و آن بدترین رذایل است و دفع آن در نهایت صعوبت است. همچنان که از حال بعضی طلبه مشاهده می‌شود و اطباء ارواح اعتراف به عجز از معالجه‌اش کرده‌اند، چنانچه اطباء ابدان اقرار کرده‌اند به عجز از معالجه بعضی مرض‌های مزمنه.

تقسیم بندی دیگر جهل موضوعی و حکمی است. که جهل موضوعی: جهل به موضوع، یعنی مرتکب نمی‌داند عمل او مصداق فعل حرام است و اشتباه در موضوع، اگر منجر به فقدان عنصر روانی در مجرم شود، رافع مسئولیت کیفری دانسته شده است. جهل به حکم، یعنی مرتکب نمی‌داند این عمل حرام است.

در فقه جزا، اسلام ترتیب مسئولیت کیفری مشروط بر علم مرتکب جرم به حکم و موضوع است و جهل به آن به از عوامل رافع مسئولیت کیفری یا مانع کیفر شمرده «دَرْءُ الْحُدُودِ» موجب قاعده می‌شود. طبق این قاعده مفاد این قاعده، هر شبه‌های (از جمله جهل به حکم یا موضوع) از اجرای حدود جلوگیری می‌کند و مدعی جهل، در صورت اثبات ادعای خود، از محکومیت جزایی معاف می‌شود فقهای امامیه در اینکه جهل مکلف به موضوع، در صورت احراز، در جرائم مستوجب حد، ساقط‌کننده حد است اتفاق نظر دارند. برای مثال، به نظر فقها حد شرب خمر بر شخصی که به تصور آب بودن مایعی آن را نوشیده و سپس متوجه خمر بودن آن شده است، جاری نمی‌شود. در منابع فقهی و حقوقی جهل به دو دسته قصوری و تقصیر تقسیم می‌شود:

جهل قصوری در حقوق

قصور یعنی اینکه کاری بدون اینکه عمد و مسامحه‌ای در کار باشد برخلاف مقررات قانونی صورت بگیرد. مثلاً کسی که برای اولین مرتبه وارد یک کشور می‌شود و از مقررات کشور اطلاع ندارد، در صورتی که باید عملی را انجام می‌داده و این کار را نکرده است. نکته مهم برای تشخیص قصور این است که بدانیم در قصور فرد علمی به اینکه عملش غیر قانونی و خلاف است ندارد و بدون علم و عمد مرتکب آن می‌شود.

قصور در اصطلاح حقوقی عبارت است از ترک یک قانون الزامی بدون اینکه مسامحه‌ای در آن شده باشد، بنابراین سهوی است. قصور به معنای این است که کار یا وظیفه‌ای که به ما محول شده است را انجام ندهیم. زمانی این کلمه به کار برده می‌شود که فرد در کاری که باید انجام می‌داده، کوتاهی کرده است. در خلاصه‌ترین تعریف میتوان گفت: وظیفه‌ای که قانون گذار برگردن کسی نهاده است. (آخوندی، ۱۳۸۴: ۵۳)

جهل تقصیری در حقوق

در زبان انگلیسی از واژه Fault، Failur، Negligence با توجه به موارد مختلف تقصیر استفاده می‌گردد و در زبان فرانسه از واژه La faut (تقصیر)، culpabilite (تقصیر عمدی که یک نوع جرم مدنی است)، Delit civil (تقصیر با فعل مثبت) و Faut par omission (تقصیر در خودداری یا ترک فعل) در بیان مفهوم تقصیر استفاده می‌گردد.

در اصطلاح حقوق کنونی تقصیر یعنی کاری که توسط کسی انجام که عامل ورود ضرر به دیگری شده است. که این کار به صورت نامشروع و ناپسند در عرف و جامعه مورد توجه است که قابلیت انتساب به مرتکب را دارا می‌باشد. (مازو، ج ۲: ۴۴۳)

تقصیر در حقوق یعنی خودداری از انجام دادن یک کار. برخلاف آنچه درباره قصور گفته شد در تقصیر فرد با علم و آگاهی خود و با اینکه توانایی انجام کاری را دارد از انجام آن خودداری می‌کند. بنابراین تقصیر با عمد است و فرد عامدانه از انجام کاری اجتناب می‌کند. مثل وقتی که در تقصیر پزشکی، پزشک تجویز لازم را صورت نمی‌دهد و آن را پشت گوش می‌اندازد. در جهل تقصیری، جاهل قدرت دستیابی به علم و قانون را دارد، ولی بر اثر کوتاهی و سهل انگاری خود همچنان در جهل باقی می‌ماند. (فیض، ۱۳۶۴: ۲۷۶-۲۷۷). تقصیر در اصطلاح حقوقی عبارت است از ترک یک قانون الزامی بدون اینکه مسامحه ای در آن شده باشد، امکان بروز قصور در تمامی مشاغل و فعالیت های اجتماعی وجود دارد. (آخوندی، ۱۳۸۴: ۵۳).

تفاوت جهل تقصیری و قصوری در حقوق

۱- نخستین تفاوت تقصیر و قصور در وجود عمد است. در قصور عمدی وجود نداشته ولی در تقصیر عمد مخفی وجود دارد که امکان دارد این گمان را به وجود آورد که شخص در انجام کار ارتكابی قصد داشته است.

۲- یکی دیگر از تفاوت‌های تقصیر و قصور می‌توان چنین گفت که با در نظر گرفتن تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، تقصیر عبارت است از بی‌مبالانی و بی‌احتیاطی که از مصادیق قصور به شمار می‌روند، است.

۳- آخرین تفاوت تقصیر و قصور را بایستی در این دانست که در مجازات شخصی که مرتکب قصور گردیده است صرفاً به لحاظ مدنی مورد بررسی قرار می‌گیرد ولی مجازات شخصی که مرتکب تقصیر گردیده است می‌تواند جنبه کیفری هم داشته باشد.

تقصیر و قصور در فقه امامیه

تقصیر در فقه اسلامی تعریف مشخصی ندارد و به جای آن واژه تعدی، عدم تحفظ، تفریط به کار رفته است. برخی از بزرگان تقصیر در فقه امامیه را به عنوان مبنای مهم مسئولیت به کار برده اند و ضابطه آن نوعی است. (موسوی، ۱۳۸۴). برخی دیگر بیان فرمودند که تقصیر نوعی اگر مصحح

انتساب باشد از نظر فقهی قابل توجه است، استاد فقه مرحوم آیت ا... فاضل بارها تاکید فرمودند، ضمان قهری اصولاً در فقه مبتنی بر تقصیر نیست. (یثربی، ۱۳۸۸).

اگر کسی برای رفاه عموم و مصلحت عابرین و جلوگیری از برخاستن و گرد و خاک یا برای کاهش درجه حرارت در معابر آب بپاشد و در اثر آن پای کسی بلغزد و آسیب ببیند موجب ضمان نیست و کسی که آب را پاشیده مسئولیتی ندارد اما اگر بدون رعایت مصلحت باشد ضامن است. (موسوی خمینی، تحریرالوسیله، ۱۳۹۰).

واژه تقصیر در فقه غالباً به همین معنی به کار رفته است. در حقوق مدنی تقصیر اعم از تعدی و تفریط است. «قانون مدنی» اصولیون در پاسخ به این سوال که تحت چه شرایط جهل و ندانستن حکم شرعی عنوان تقصیر پیدا می کند، گفته اند که اولاً «جاهل به حکم» قدرت بر تعلیم و یادگیری حکم شرعی داشته اند و ثانیاً «نوعی» الزام و «تکلیف» به تعلیم جاهل مستقر باشد. با اجتماع این دو شرط است که ترک تعلیم و بالتبع جاهل ملندن به حکم عنوان تقصیر به خود می گیرد. (بجنوردی، بی تا: ۳۵۵).

آیت الله خویی (ره) می نویسد: و المراد بالشبهه الموجهه لسقوط الحد، هو الجهل عن قصور و تقصیر فی المقدمات... و اما من كان جاهلاً بالحکم عن تقصیر و ملتفتاً الى جهله حال العمل، حکم بالزنا و ثبوت الحد؛ منظور از شبهه های که موجب سقوط حد می شود، جهل قصوری یا تقصیری در مقدمات است. .. اما اگر کسی جاهل مقصر به حکم باشد ولی در حال ارتکاب عمل، به جهالت خویش ملتفت باشد، کیفر زنا بر او جاری خواهد شد. (خوئی، ۱۳۹۶ق: ۱۶۹)

در این تعریف، شبهه به صورت مطلق در جهل قصوری پذیرفته شده است؛ منتهی جهل تقصیری در مقدمات عمل حرام مورد قبول است نه در مورد خود عمل. و تفاوت میان جهل تقصیری و قصوری از نظر ایشان باید در اصول فقهی جستجو کنیم.

"الاشتغال بالیقینی يستدعی الفراغ الیقینی" اگر شخصی به دین و مذهبی گرایش پیدا کرد این وظیفه را دارد که از اصول و عقاید آن دین پیروی کند. از سوی دیگر، این مرجع فقید علاوه بر جهل، عدم التفات و عدم توجه و آگاهی را نیز موجب اعمال شبهه در جهل تقصیری دانسته است که این تفاوت میان علم و آگاهی در نزد ایشان و تفاوت میان جاهل مقصر ملتفت و غیر ملتفت را قابل بررسی می داند.

تعاریف تقصیر و قصور از نظر حقوقدانان ایرانی

یکی از اساتید حقوق معتقدند که تقصیر خودداری از انجام تکلیفی است که به دیگران زیان رسانده است و عنصر عمده در این تعریف تکلیف است که خواهان باید اثبات کند: ۱- خواننده در برابر او تکلیف داشته باشد. ۲- مقصر در انجام این تکلیف به او خسارت رسانده است. ۳- هزینه بازگرداندن وضع به آنچه که در نخست بوده است چه مبلغ است. ۴- مبلغ خسارت بر حسب هریک از عواملی که به خسارت انجامیده تجزیه و تعیین شده است. (بوشهری، ۱۳۸۷).

که از نظر قانون مدنی مواد ۹۵۱ تا ۹۵۳ قانون این گونه بیان می کند که تقصیر عبارت است از انجام دادن کاری که شخص به حکم قرارداد یا عرف می بایست آن را انجام ندهد یا پرهیز کند از کاری که باید انجام دهد. پس می توان گفت: تجاوز از رفتاری است که انسانی متعارف در همان شرایط وقوع حادثه دارد. در حقوق مدنی ایران تقصیر را این گونه تعریف می کند که تقصیر ضمانت اجرا دارد و ضمانت اجرای آن جبران خسارت دیده توسط شخص مقصر یا همان زیان زننده است.

مسئولیت کیفری در تقصیر و قصور

مسئولیت در کتب جزایی تعریف خاصی ندارد و ماهیت و شرایط آن مشخص نگردیده است. مرحوم دکتر سمیعی در مورد مسئولیت می نویسد: بدیهی است که بتوان مرتکب را جزائاً "مسئول دانست بایستی ساختمان بدنی و فکری او به حد کمال رسیده باشد و قوای روحی او سالم بوده و بواسطه بروز حادثه مربوط به وظائف الاعضاء قوای مزبور مختل یا زائل نشده باشد. به عبارت دیگر مرتکب بایستی از نظر جزائی کبیر بوده و مجنون نباشد. (سمیعی، ۱۳۳۳: ۷۴). مسئولیت به معنای اصطلاحی در حقوق نیز از وجه تسمیه ی لغوی آن دور نیفتاده و به معنای لزوم پاسخگویی اشخاص در قبال اقدامات خود در برابر جامعه و دیگران است و در تعریف مسئولیت گفته اند: "مسئولیت عبارت است از وجود تعهد به انجام یا عدم انجام کاری و تحمل آثار و ضمانت اجرایی های مقرر در صورت نقض این تعهد." (سلیمی، ۱۳۹۲: ۱۸).

ارکان اصلی مسئولیت کیفری چهار جزء است: عقل، بلوغ، اختیار یا اراده و توانایی عمل. هر عاملی که یکی از ارکان مسئولیت کیفری را از بین ببرد، عامل رافع مسئولیت کیفری است. یکی از مهمترین علل، جهل است که در بیشتر مواقع با اشتباه در نظر گرفته می شود. حقوقدانان تقسیم بندی های مختلفی برای مسئولیت تعریف نموده اند: از جمله اخلاقی و حقوقی. مسئولیت اخلاقی که در هر جامعه و فرهنگی دارای قواعد عرفی، رفتاری، فرهنگی و... می باشد و افراد هر جامعه باید به آن احترام بگذارند و آن را به عنوان ارزش در جامعه به حساب آورند. اگر یکی از اعضای جامعه به این ارزش ها بی اهمیت باشد و آنها را رعایت کند مورد سرزنش جامعه قرار می گیرد. در واقع مسئولیت اخلاقی ضمانت اجرا بوده و مجازات خاصی جز سرزنش عمومی جامعه برای آن در نظر گرفته نشده است. مسئولیت حقوقی در جامعه قوانین مشخص شده روابط بین افراد جامعه یا بر مبنای قراردادها و تعهدات فی مابین آنهاست یا مبتنی بر قوانین موضوعی یا مقررات و آیین نامه های اداری.

اما رایج ترین تقسیم بندی ها برای مسئولیت، تقسیم بندی مدنی و کیفری و انتظامی است. مسئولیت مدنی که به مسئولیت قراردادی و مسئولیت غیر قراردادی تقسیم می شود در واقع جبران زیانی است که به واسطه نقص مفاد قرارداد یا ایراد ضرر به اموال کسی وارد شده است. مسئولیت انتظامی که بیشتر در مورد نقص وظایف اداری یا صنفی است می پردازد.

مسئولیت کیفری به طور کلی باید گفت الزام شخص به پاسخگویی در قبال تعرض به دیگران، خواه به جهت حمایت از حقوق فردی و خواه به منظور دفاع از جامعه، تحت عنوان «مسئولیت کیفری» یا «مسئولیت جزایی» مطرح می‌شود. با این حال تعریف خاصی ندارد.

از دیدگاه کیفری، ارتکاب جرم یا هر نوع تخطی از قوانین و مقررات جزایی به تنهایی و به خودی خود موجب مسئولیت کیفری نیست، بلکه برای این که مرتکب جرم را از نظر اخلاقی و اجتماعی مسئول و قابل سرزنش و مجازات بدانیم لازم است که شرایطی با هم جمع شوند که عبارتند از: وقوع رفتار مجرمانه که از میل و اراده آگاهانه مرتکب آن نشأت گرفته باشد و نحوه پندار، کردار و جریان تصمیم‌گیری او را مشخص کند. بعد از آن عمل مجرمانه‌ای که با اندیشه، قصد و میل مرتکب، در عالم خارج تحقق یافته است باید حاکی از سوءنیت مرتکب یا ناشی از خطای او باشد. و در آخر برای این که مرتکب جرم را مسئول بشناسیم، علاوه بر اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید بین جرم انجام یافته و فاعل آن، قابلیت انتساب موجود باشد.

به طور کلی، هرکسی که با علم و اطلاع دست به ارتکاب جرم می‌زند لزوماً مسئول شناخته نمی‌شود، بلکه علاوه بر تحقق اراده ارتکاب و سوءنیت یا تقصیر جزایی، باید دارای اهلیت و خصوصیات فردی متعارفی باشد تا بتوان وقوع جرم را به او نسبت داد. در نتیجه، وقتی انسان از نظر کیفری مسئول شناخته می‌شود که مسبب حادثه‌ای باشد؛ یعنی بتوان آن حادثه را به او نسبت داد. پس مسئولیت کیفری، محصول نسبت دادن و قابلیت انتساب است. مقصود از قابلیت انتساب آن است که بر مقامات قضایی معلوم شود که فاعل جرم، از نظر رشد جسمی، عقلی و نیروی اراده و اختیار، دارای آن چنان اهلیتی است که می‌توان رابطه علیت بین جرم انجام یافته و عامل آن برقرار کرد. در حقیقت مسئولیت کیفری از نتایج مستقیم انتساب جرم به فاعل آن احراز می‌شود و از این جهت به طور مختصر می‌توان گفت مسئولیت کیفری قابلیت انتساب و اسناد عمل مجرمانه است.

تقصیر جزایی (Criminal fault) یا خطای جزایی قانون تقصیر جزایی را تعریف نکرده ولی در تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی، اینگونه بیان می‌کند که تقصیر یا خطای جزایی، عنصر روانی جرایمی است که اصطلاحاً غیر عمدی نامیده می‌شوند. وجود این تقصیر در کلیه جرائم غیر عمد ضروری است و عنصر مادی به تنهایی برای تحقق جرم کافی نیست.

تقصیر عمدی و خواه تقصیر غیر عمدی امری یکسان هستند که پایه و اساس آن را اراده تشکیل می‌دهد.

نظریه روانی به خوبی از توضیح شکل عمدی تقصیر یعنی قصد مجرمانه بر می‌آید زیرا مطابق تعریف قصد مجرمانه عبارت است از اراده به فعل و نتیجه مجرمانه، در حال علم به کلیه عناصر تشکیل دهنده جرم است. (ثروت، ۱۹۶۵م: ۲۰۸).

تقصیر در حقوق کیفری در معنای عام و با استناد به مبانی حقوق کیفری، تحقق قابلیت انتساب عمل به مرتکب و احراز مسئولیت و در نتیجه، تعلق مجازات به او می‌باشد، چه در جرائم عمدی و غیر عمدی. حال آنکه تقصیر به معنای اخص و به مفهومی که در زبان فارسی وجود دارد، ناشی از

بی احتیاطی، بی مبالاتی و..... می باشد. (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۶). تقصیر به دو جنبه مادی و معنوی که مادی جنبه خارجی دارد و عمدی به شمار می رود و معنوی جنبه درونی و روانی جرم است که معمولاً "غیر عمدی به حساب می آید. جنبه غیر عمدی خود به شبه عمد و خطای محض تقسیم می شود. وجود این تقسیم در کلیه جرایم غیر عمدی ضروری است و عنصر مادی به تنهایی برای تحقق جرم کافی نیست و با عنصر روانی همراه است. در جرایم عمدی قصد مجرم، عنصر روانی جرم است اما در جرائم غیر عمدی قصد مجرمانه منتفی است و به جای آن تقصیر رکن روانی جرم را تشکیل می دهد. مثلاً "فوت بیمار ضمن معالجه و درمان توسط پزشک قتل شبه عمد محسوب می شود. مجازات قتل شبه عمد در صورت تقصیر مرتکب دیه و حبس (۱) تا ۳ سال است.

همچنان که در بالا ذکر شده است تبصره ماده ۳۳۶ قانون مجازات اسلامی، خطای شخص عبارت است از: بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی.

۱- بی احتیاطی یعنی اقدام به امری که مرتکب آن بدون توجه به عواقب و نتیجه احتمالی آن که برای او قابل پیش بینی است باعث ایراد صدمه یا ضرر و زیان به دیگری می شود. عدم توجه شخص به نتایج کاری که عرفاً قابل پیش بینی است و در اثر آن صدمه یا ضرر و زیان به دیگری وارد آید. مرجع تشخیص بی احتیاطی عرف است.

۲- بی مبالاتی همان بی احتیاطی به صورت ترک فعل و خودداری از انجام عمل است. بی مبالاتی، غفلت، مسامحه، سهل انگاری و اهمال از نظر معنی مترادف هستند. مرجع تشخیص بی مبالاتی عرف است.

در تبصره ماده ۸ قانون مجازات اخلاکگران در صنایع نفت بی مبالاتی را اینچنین تعریف کرده است: «منظور از بی مبالاتی اقدام به امری است که مرتکب نمی بایست به آن مبادرت نموده باشد و منظور از غفلت خودداری از امری است که مرتکب می بایست به آن اقدام نموده باشد اعم از این که منشا بی مبالاتی یا غفلت عدم اطلاع و عدم مهارت یا عدم تجربه یا عدم رعایت قانون یا مقررات یا اوامر یا نظامات و یا عرف و عادت باشد.» بنابراین مهندسی که از بکار بردن مصالح ساختمانی استاندارد خودداری می کند یا راننده ای که شب هنگام از روشن کردن چراغ اتومبیل خودداری می کند و بدین وسیله موجب قتل می شود مرتکب بی مبالاتی شده اند. (صانعی، ۱۳۷۲).

۳- عدم مهارت یعنی نداشتن توانایی جسمی و روانی در انجام دادن کاری که حسن انجام آن با تواناییهایی همچون عدم مهارت بدنی، عدم اطلاع همراه است که این عامل می تواند خود منشا تقصیرهای بی احتیاطی و بی مبالاتی باشد. (کلارک، ۱۹۸۴: ۸۸)

عدم مهارت نداشتن توانایی جسمانی و روانی در انجام دادن کاری که حسن انجام آن مستلزم تواناییهای مذکور است. مثلاً پزشکی که در یک عمل جراحی توانایی کافی را ندارد و مبادرت به انجام آن نموده و موجب مرگ یا نقص عضو بیمار شود، ضامن عدم مهارت خود می باشد. عدم مهارت، گاهی بدنی است همچون نداشتن چابکی و ورزیدگی لازم و گاهی روانی نظیر نادانی و عدم اطلاع. عدم مهارت گاهی منشا تقصیرهای دیگر مانند بی احتیاطی نیز می گردد مانند راننده ای

که بدون آشنایی به فنون رانندگی به این کار می‌پردازد و به دلیل آن که عملاً قادر به پیشگیری از صدمه احتمالی نیست، بی‌احتیاط نیز تلقی می‌گردد.

۴- عدم رعایت نظامات دولتی است کلیه قوانین و مقرراتی است که از طرف مقام صلاحیتدار به صورت قانون، تصویب نامه، آیین نامه یا دستور العمل الزامی صادر می‌شود و اشخاص مکلف به رعایت آن هستند. (سایت پژوهه).

واژه دولتی در معنای خاص قوه مجریه بکار نرفته است بلکه مراد از آن دولت به معنی حکومت می‌باشد بنابراین نظامات دولتی به معنای نظامات حکومتی است که هم مصوبات قوه مقننه را در بر می‌گیرد و هم مصوبات و تصمیمات سایر قوای کشور را شامل می‌شود. در غیر این صورت غیر معقول است که شخصی پیرو نقص آیین نامه ای که منجر به وقوع جرم غیر عمدی می‌شود، قابل مجازات قلمداد شود اما اگر همان شخص قانونی را نقص کند و بدان جهت جرم غیر عمدی محقق شود قابل تعقیب جزایی نباشد. با همین استدلال چنین به نظر می‌رسد که هرچند نظامات در معنای دقیق خود شامل تصویب نامه و آیین نامه بوده و در مقابل قانون به معنای خاص کلمه به کار می‌رود. (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۷).

کلیات قانون مجازات اسلامی، در ماده ۱۴۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، مفهوم تقصیر را به طور کلی بیان کرده، و در تبصره آن تقصیر را اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی ذکر نموده است ولی در مورد قصاص و دیات هر کدام را به کتاب خود که قصاص، شبه عمد در ماده ۲۹۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، خطای محض در ماده ۲۹۲ ق.م.ا سال ۱۳۹۲ و در مورد دیات در ماده ۵۲۹ ق.م.ا سال ۱۳۹۲ تقصیر مشخص شده است. ماده ۱۴۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ بیان می‌کند که اصل بر عدم تقصیر است. پس باید احراز شود و مسئولیت آن بر عهده دادستان است و متهم نیازی به اثبات فقدان تقصیر خود ندارد.

می‌خواهیم در این مقاله عدم اطلاع از ظلم توسط مدیر در جرائم رایانه ای را بررسی کنیم، باید به فصل ششم قانون جرائم رایانه ای به شماره ۷۱۰۶۳ در تاریخ ۱۳۸۸/۴/۱۰ مراجعه کنیم. فصل ششم - مسئولیت کیفری اشخاص ماده ۱۹ - در موارد زیر، چنانچه جرائم رایانه ای به نام شخص حقوقی و در راستای منافع آن ارتکاب یابد، شخص حقوقی دارای مسئولیت کیفری خواهد بود:

الف) هرگاه مدیر شخص حقوقی مرتکب جرم رایانه ای شود.

ب) هرگاه مدیر شخص حقوقی دستور ارتکاب جرم رایانه ای را صادر کند و جرم به وقوع بپیوندد.

ج) هرگاه یکی از کارمندان شخص حقوقی با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه ای شود.

د) هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخص حقوقی به ارتکاب جرم رایانه ای اختصاص یافته باشد. تبصره ۱- منظور از مدیر کسی است که اختیار نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی را دارد.

تبصره ۲- مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع مجازات مرتکب نخواهد بود و در صورت نبود شرایط صدر ماده و عدم انتساب جرم به شخص خصوصی فقط شخص حقیقی مسئول خواهد بود. ماده ۲۰- اشخاص حقوقی موضوع ماده فوق، با توجه به شرایط و اوضاع و احوال جرم ارتكابی، میزان درآمد و نتایج حاصله از ارتكاب جرم، علاوه بر سه تا شش برابر حداکثر جزای نقدی جرم ارتكابی، به ترتیب ذیل محکوم خواهند شد:

الف) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم تا پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا نه ماه و در صورت تکرار جرم تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا پنج سال. ب) چنانچه حداکثر مجازات حبس آن جرم بیش از پنج سال حبس باشد، تعطیلی موقت شخص حقوقی از یک تا سه سال و در صورت تکرار جرم، شخص حقوقی منحل خواهد شد. تبصره - مدیر شخص حقوقی که طبق بند «ب» این ماده منحل می شود، تا سه سال حق تأسیس یا نمایندگی یا تصمیم گیری یا نظارت بر شخص حقوقی دیگر را نخواهد داشت.

در این مورد میتوان گفت، ارتكاب جرم از طرف تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مستلزم تحقق ارکان مادی و معنوی آن جرم است. ولی همان طور که می دانیم اشخاص حقوقی وجود عینی و ملموس ندارند تا بتوانند به اعتبار رکن مادی جرم را مرتکب شوند و رکن معنوی جرم را دارا باشند. حقوق کیفری بر یک رویکرد فرد گرایانه مسئولیت اتکا دارد. علت وجودی حقوق کیفری، تعاریف و ارکان جرم، مسئولیت کیفری و عوامل تاثیر گذار بر آن و کیفیت اجرایی مقررات کیفری از جمله حوزه هایی هستند که به شدت متاثر و در معرض تحلیل فردی قرار دارند. (عبداللهی، ۱۳۸۹).

در حقوق ایران ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می کند که «مسئولیت کیفری شخصی است». و ماده ۱۴۲ قانون مجازات ۱۳۹۲ بیان می کند که «مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری، مرتکب تقصیر شود». پس در ماده ۱۴۲ مسئول کیفری غیر مرتکب قصور یا تقصیر شده است و باهمین عامل می توان گفت که این قصور و تقصیر باعث می شود که بتوان رفتاری را که ظاهراً " شخص دیگری مرتکب شده است به قاصر یا مقصر اصلی نسبت داد.

طبق ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی تاکید بر مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است. بیان می کند شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود.... در یک نگاه اجمالی میتوان تفاوت بین ماده ۱۴۳ و ۷۴۷ قانون تعزیرات در مورد جرایم رایانه ای را مشاهده نمود. در ماده ۷۴۷ مسئولیت کیفری شخص حقوقی منوط به آن شده است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام و در راستای منافع آن مرتکب جرمی شده باشد، پس وجود هر دو شرط در این زمینه لازم است. که تنها تفاوت دو ماده را با یا می توان از هم تشخیص داد.

ماده ۷۴۷ مشابه موضع پذیرفته شده در حقوق فرانسه می باشد از موضع ماده ۱۴۳ صحیح تر و منطقی تر به نظر می رسد. زیرا هرگاه نماینده قانونی به نام شخص حقوقی ولی نه در راستای منافع آن، بلکه مثلاً "برای جلب منفعت خود، اقدام به ارتکاب جرم کرده باشد. دلیلی برای استناد جرم به شخص حقوقی وجود ندارد. مانند مدیر یک شرکت بدون استفاده از نام آن مرتکب جرایمی مثل کلاهبرداری شود و بخواهد عواید حاصله را به حساب شرکت واریز کند، علی رغم اقدام وی در راستای منافع شخص حقوقی بوده ولی چون به نام شخص حقوقی اقدام نکرده است، باز نمی توان جرم ارتكابی را به او نسبت داد.

به طور کلی می توان بیان نمود که طبق نظریه مشورتی (اداره کل حقوقی قوه قضائیه) شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام و در راستای منافع مرتکب جرم شود. بنابراین در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام به شخص حقوقی، نماینده قانونی شخص حقوقی احضار و مدافعات او به نمایندگی از شخص حقوقی استماع می شود.....

اولین مقرر قانونی که در این مورد به ذهن می رسد ماده ۱۲۵ "قانون اصلاحی قسمتی از قانون تجارت" مصوب ۱۳۴۷ است که مقرر دارد "مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیات مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد." در اساسنامه شرکت ها هم معمولاً "مدیر عامل نماینده قانونی شرکت است. در تبصره ۴ ماده ۶۷ "قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز" مصوب سال ۱۳۹۲ هم عیناً پذیرفته شده است. باید سایر ارکان نظارتی و مدیریتی شخص حقوقی، مثل مجمع عمومی و هیات مدیره را نیز از لحاظ ماده ۱۴۳، نماینده قانونی شخص حقوقی دانست.

در کل همه "کسانی که عهده دار انجام کاری از سوی شرکت و شخص حقوقی اند، نماینده قانونی آن شرکت به شمار می آیند، خواه در مجموعه شرکت عنوان و جایگاه خاصی، چون مدیر، هیات مدیره، کارمند... داشته و خواه نداشته باشند."

در بند ج ماده ۷۴۷ ارتکاب جرم از سوی یکی از کارمندان شخص حقوقی سخن به میان آورده، لیکن آن را منوط به آن کرده است که وی "با اطلاع مدیر یا در اثر عدم نظارت وی مرتکب جرم رایانه ای شود." اینجا عدم اطلاع، نظارت مدیر شرط است که دلیل مستند کردن جرم ارتكابی به شخص حقوقی می باشد. در بند د ماده ۷۴۷ "هرگاه تمام یا قسمتی از فعالیت شخصی به ارتکاب جرم رایانه ای اختصاص یافته باشد" دارای مسئولیت کیفری دانسته است در واقع کارکنان درون پایه نیستند بلکه مدیران عالی رتبه هستند که در مورد ارتکاب جرم رایانه ای تصمیم می گیرند. در بند الف و ب هم ارتکاب جرم رایانه ای یا دستور به ارتکاب از سوی مدیر شخص حقوقی است. علاوه بر آن در قانون آئین دادرسی کیفری نیز دو ماده: ماده ۶۸۸ "هرگاه دلیل کافی برای توجه اتهام به اشخاص حقوقی وجود داشته باشد علاوه بر احضار شخص حقیقی که اتهام متوجه او می باشد، بارعایت مقررات مربوط به احضار، به شخص حقوقی اخطار می شود تا مطابق مقررات نماینده قانونی یا وکیل خود را معرفی نماید. عدم معرفی وکیل یا نماینده مانع رسیدگی نیست."

ماده ۶۸۹: پس از حضور نماینده شخص حقوقی، اتهام وفق مقررات برای او تبیین می شود. حضور نماینده شخص حقوقی تنها جهت انجام تحقیق و یا دفاع از اتهام انتسابی به شخص حقوقی است و هیچ یک از الزامات و محدودیت های مقرر در قانون برای متهم، در مورد وی اعمال نمی شود.

نتیجه گیری

با توجه به اینکه چهل را به مرکب و بسیط، موضوعی و حکمی، تقصیر و قصور تقسیم بندی می کنند. هرگاه شخصی در اثر ندانم کاری و عدم آگاهی دچار تقصیر، بی احتیاطی و خطا می شود مسئولیت کیفری نمایان می شود و در این مورد شخص زیان دیده باید تقصیر زیان زننده را اثبات نماید پس میتوان گفت که حقوق کیفری برای اثبات جرائم مادی و معنوی است که جرائم معنوی بیشتر در حوزه مسئولیت کیفری حائز اهمیت می باشد.

با توجه به پیشرفت های اخیر در جامعه، حقوقدانان علاوه بر نظم اجتماعی وجود احراز تقصیر به معنای اعم را نسبت به پاره ای از جرائم در نظر بگیرند و برای آن استثنائاتی قائل شوند. قوانین و مجازات ها را قانونی بشناسند و برای آن جرائم، مجازات های نقدی را لحاظ کنند تا راه های فرار افراد از قانون مسدود شود.

منابع و مراجع

قرآن کریم.

آخوندی، محمود (۱۳۸۴). "آیین دادرسی کیفری. تهران": نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص. ۵۳.
 بوشهری، جعفر (۱۳۸۷)، "حقوق جزا"، (جبران خسارت)، تهران: نشر شرکت سهامی.
 دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، "فرهنگ دهخدا"، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۶)، "مبسوط در ترمینولوژی حقوق"، تهران: کتابخانه گنج دانش، جلد ۵.

خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، "کتاب العین"، قم: چاپ مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی.
 خمینی (الموسوی الخمينی) (۱۳۹۰)، "تحریر الوسیله"، نجف الاشرف: مطبعه الاداب.
 خوئی، ابوالقاسم (۱۳۹۶ق)، "مبانی تکلمه المنهاج"، قم، ج. ۲.
 سلیمی، صادق (۱۳۹۲)، "پدیده مجرمانه و مسئولیت کیفری در حقوق بین المللی و حقوق کیفری ایران"، انتشارات خیام، ص. ۱۸.

سمیعی، حسین (۱۳۳۳)، "حقوق جزای عمومی"، ص. ۷۴.
 قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، "تفسیر نور"، تهران، چاپ یازدهم
 عبداللہی، اسماعیل (۱۳۸۹)، "درس هایی از فلسفه کیفری: در آمدی بر مسئولیت کیفری بدون تقصیر در نظام های حقوقی ایران و انگلستان"، تهران: انتشارات خرسندی.
 عسکری، حسن بن عبداللہ (۱۳۵۳)، "الفروق اللغویہ"، قاهرہ.
 فیض، علیرضا (۱۳۶۴-۱۳۶۸)، "مقارنه و تطبیق در متون جزای عمومی اسلام"، تهران، ج. ۱، ص. ۲۷۶-۲۷۷.

کاظمی خراسانی، محمدعلی (۱۴۰۹)، "فوائد الاصول"، ج. ۳، ص. ۱۲، تقریرات درس آیه الله نائینی، قم. ۱۴۰۴-۱۴۰۹.

مازو و شاباس، "دروس حقوق مدنی"، ج ۲، تعهدات، ش ۳۷۴.
 عبدالمنعم، محمود عبدالرحمن "مہجَم المصطلحات و الفاظ الفقہیہ"، قاهرہ: دارالفضیلہ.
 موسوی، احمد (۱۳۸۴)، "مسئولیت مدنی ناشی از مالکیت و نگهداری اشیاء"، اهواز: نشر آیات.
 یثربی، علی محمد (۱۳۸۸)، "ضمان قہری با تحقیق در فقہ و قوانین جمہوری اسلامی ایران"، صفحہ.
 موسائیان صبحانی، ماه نیسان (۱۴۰۰)، "بررسی تطبیقی جہل قصوری و تقصیری در فقہ و قوانین موضوعہ ی ایران و فرانسہ"، نشریہ علمی فقہ، حقوق و جزا، سال ششم، شمارہ ۲۲، ص. ۸۱-۶۰.
 حسنی، محمدحسن و شاپراغ، حسین (۱۳۹۷)، "تاثیر جہل بہ قانون در مسئولیت کیفری از منظر قانون مجازات اسلامی"، مطالعات فقہ و حقوق اسلامی، دورہ ۱۰، شمارہ ۱۹، ص. ۱۱۵-۱۳۶.
 درویش پور، وفا (۱۳۸۶)، "جہل و خطا در حدیث رفع و آثار آنها در حقوق کیفری از منظر فقہ امامیہ"، فصلنامہ تخصصی فقہ و مبانی حقوق، شمارہ ۸، ۲۶۵-۲۸۸.
 بایبوردی، اردلان منصورآبادی، عباس (۱۳۹۴)، "جایگاه جہل بہ قانون در حقوق کیفری ایران"، دانشگاه تهران، دانشکدہ حقوق.

سایت پژوهہ، برگرفته از مقالہ تقصیر جزای. (Criminal fault)

کاظمی گلوردی، محمدرضا و شفیق اسکی، محمد (۱۳۹۲)، "کیفیت تاثیر علم و جہل در احکام واقعی و ظاہری از دیدگاه امامیہ و عامہ"، فصلنامہ پژوهش های فقہ و حقوق اسلامی، شمارہ ۳۱، ص. ۱۴۶-۱۱۹.

ذاکری، طیبیه و صدیقیان، امیر محمد (۱۳۹۴) "بررسی تأثیر جهل و اشتباه در فقه و حقوق ایران"، دومین همایش ملی عدالت، اخلاق، فقه و حقوق، میبد، <https://civilica.com/doc/525844>

بجنوردی، میرزا حسن، فقهی الاصول، چاپ سوم، قم مکتبه بصیرتی، بی تا، ص ۳۵۵.

ثروت، جلال (۱۹۶۵م)، نظریه الجرمه المتدیه القصد، مصر، انتشارت دارالعارف، ص ۲۰۸.

صانعی، پرویز، "حقوق جزای عمومی"، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۲.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۷)، "ترمینولوژی حقوق"، تهران، انتشارات گنج دانش، چاپ نهم.

Clarkson, C.M.V and Keeting, H. M, "Criminal law: tex and material", first Edition, London, Sweet and maxwel, 1984, P.88.